

( 12 )

یا علی اشکر الله بما زین رأسک باکلیل الثناء فی ایام ربک مالک الاسماء و هیکلک بطراز خدمته فی الامکان قد عرفنا توجهک الی بعض الجهات و هجرتک فی سبیل الله منزل الآیات هذا ینبغی لک و لكل مقبل انقطع فی حبه عما سویه

ای علی در کل احوال در اتحاد قلوب و اجتماعهم بر شریعه امریه الهیه سعی بلیغ مبذول دارید اگر چه بفضل الله بطراز اخلاق مزینی و لکن هر چه بر آن بیفزائی عند الله احب بوده تا کل باخلاق حسنه آن جناب بشطر و هاب توجه کنند و در کل احیان مراقب امر باشید چنانچه در الواح قبلیه از قلم امریه نازل شده مشاهده در فضل و عنایت و الطاف حق نما سالهاست که یکی از عباد که تو بآن عارفی مع آنکه در سر سر او و تبعه او بکلمات نالایقه و نفات منتنه و شیء ونات نفسانیه مشغول بوده اند و حق بر کل مطلع و محیط ستر فرمودیم و چون در ظاهر باسم الله و ذکر او ناطق تعرض نمودیم و در سنین معدودات از مطلع آیات الواح منیعه مخصوص او نازل و ارسال شد و در جمیع احوال تصریحا و تلویحا او را بمقام پاک که مقدس از شایبه نفس و هستی است دعوت نمودیم که شاید بمقامات عالیه ممتنعه فائز شود کل ذلک من فضل ربک و رحمته و عنایتی چه که دوست نداشته و نداریم که نفسی از ما خلق له محروم ماند و از ما قدر له بی نصیب گردد مع این عنایات متواتره و الطاف متتابعه کانه حق را غافل دانسته و سبب این ستر حق بوده قل روحی و نفسی لک الفداء یا ستار العالمین

ای علی مشاهده در امر رسول الله نما که اول امر در کمال ترقی و استعلاء بوده و بعد توقف نموده یکی از اسباب مانعه آنکه نفوسی برخاستند و بدعوی اینکه ما اهل باطنیم ناس بیچاره را از شریعه الهیه و مکامن عز ربانیه ممنوع نمودند قل تالله کل ظاهر اعلی من باطنکم و کل قشر انور من لبکم قد ترک المخلصون بواطنکم کما تترک العظام للکلاب این ایام احکام الهیه از مشرق بیان ربانیه مشرق انشاء الله از بعد ارسال میشود و این دو آیه مبارکه که در آن لوح امنع اقدس نازل من الناس من یقعد صف النعال طلبا لصدر الجلال قل من انت یا ایها الغافل الغرار و منهم من یدعی الباطن و باطن الباطن قل یا ایها الکذاب تالله ما عندک انه من القشور ترکناها لکم کما تترک العظام للکلاب ملاحظه نمائید هر نفسی از نفوس موهومه که یافت شد خلیجی از بحر اعظم خارج نمود و بتوهمات نفسانیه و شیء ونات هوائیه بتمام مکر و خدعه قیام کرد و فرقه اسلام را متفرق ساخت قل یا ایها الموهوم ان الباطن و باطن الباطن و الباطن الذی جعله الله مقدسا عن الباطن و الظاهر الی ما لانهایه لها یطوف حول هذا الظاهر الذی ینطق بالحق فی قطب العالم قد ظهر الاسم الاعظم و مالک الامم و سلطان القدم لیس لاحد مفر و لا مستقر الا لمن تمسک بهذه العروة النوراء الی بها اشرقت الارض و السماء و لاح

العرش و الثرى و اضاء ملكوت الاسماء و انار الافق الاعلى اتقوا يا قوم و لا تتبعوا اهوآء الذين اتبعوا الهوى و لا اوهام الذين قاموا على المكر فى ملكوت الانشاء توجهوا بوجوه بيضاء و غرر غراء الى مطلع آيات ربكم مالک الآخرة و الاولى كذلك قضى الامر فى اللوح الذى جعله الله ام الالواح و مصباح الفلاح بين السموات و الارضين

ای علی تفریق امت سبب و علت ضعف کل شده و لکن الناس اکثرهم لا یفقهون بعضی از ناس که ادعای شوق و جذب و شغف و انجذاب و امثال آن نموده و مینمایند کاش بدار السلام میرفتند در تکیه قادریه ملاحظه مینمودند و متنبه میشدند

ای علی جمعی در آن محل موجود و مجتمع و نفسی الحق که مشاهده شده نفسی از آن نفوس زیاده از اربع ساعات متصلاً خود را بحجر و مدر و جدار میزد که بیم هلاکت بود بعد منصعقا بر ارض میافتاد و مقدار دو ساعت ابداء شعور نداشت و این امور را از کرامات میشمردند ان الله برىء منهم و نحن برآء ان ربك لهو العليم الخبير يعلم خائنة الاعين و ما فى صدور العالمين و همچنین جمعی هستند بر فاعی معروفند آن نفوس بقول خود در آتش میروند و در احیان جذبیه سیف بر یکدیگر میزنند بشأنیکه ناظر چنین گمان میکند که اعضای خود را قطع نموده اند کل ذلک حیل و مکر و خدع من عند انفسهم الا انهم من الاخسرین جمیع این امور برأى العين مشاهده شده و اکثری از ناس دیده اند بسیار محبوبست که یکی از آن نفوس موهومه بآن ارض توجه نماید و تکایای مذکوره و ما یحدث فیها را مشاهده کند که شاید بخطرات نفسانیه و توهمات انفس خادعه از شطر احدیه و مالک بریه ممنوع نشود

ای علی جمعی در جزائر هند بوده و هستند که خود را از اکل و شرب منع نموده اند و با وحوش انس گرفته اند و لیالی و ایام بریاضات شاقه مشغولند و باذکار ناطق مع ذلک احدی از آن نفوس عند الله مذکور نه با اینکه خود را از اقطاب و اوتاد و افراد ارض میشمردند الیوم ردآ افعال و اکلیل اعمال ذکر اسم اعظم در ظاهر و باطن بوده انه لکلمة بها فصل بین کل حزب و نسف کل جبل و سقط کل نجم و کسف کل شمس و خسف کل قمر و انفطر کل سماء و انشق کل ارض و غیض کل بحر و ارتعد کل قنة و انقعر کل جذع و اضطرب کل هضب و ارتعش کل بطح الا من شاء ربك المقتدر القدير من اقر بما اقره الله و اعترف بما اعترفه الله انه من اهل البهآء فى ملكوت الانشاء كذلك نزل من افق الوحى امر ربك المبرم العزيز الحكيم

اگر چه لایق نه که قلم اعلی باین بیانات مشغول شود و لکن نظر بفضل و سبقت رحمت قلم رحمن بامثال این بیان ناطق است این الاقویاء و این مظاهر الاستقامه فی ملکوت الانشاء و این مطالع الاقتدار فی جبروت الانقطاع؟

ای علی تا حال اصبع اقتدار خرق استار ننموده ان ربک لهو الستار از خدا بطلب که آن نفوس را باستقامت تمام منقطعین عن سویه بر امر مالک انام و سلطان ایام ثابت و راسخ فرماید لعمری بذلک ترفع اذکارهم و تثبت اسمائهم و تحقق مقاماتهم و تفتح علی وجوههم ابواب عرفانی الذی کان اصل الامر و مبدئه و اس المقام و سلطانه طوبی لمن نبذ الدنيا و ما یذکر فیها و توجه بالقلب الانور الی منظر ربه المتعالی المقتدر العلی العظیم زحمت شما بسیار است احمل کما حمل فوقها هذا القلب الارق الادق الاشفق اللطیف البدیع المنیر چه که باید ناس را بحکمت چنانچه در کل الواح بآن امر شده از اوهمات نفسیه و شیء ونات غیر مرضیه بنصائح بالغه و حکم ربانیه مقدس نمائید و بشطر اقدس کشانید اول امر و اعظم آن استقامت بر امر بوده انشاء الله باید در کل احوال بخدمت مشغول باشید چنانچه هستید انما البهاء علیک و علی من احبک خالصا لله ربک و رب العالمین